

ارتشاء

فساد اداری چنان در شئون مختلف نظام قاجار ریشه‌دوانیده بود که دیوانیان و کارمندان حکومت برای انجام هر عمل ساده اداری، درخواست علنی «رشوه» و «حق حساب» میکردند، آنان این مبلغ را حق مسلم و بدیهی خود پنداشته و هیچ ترس و بیمی هم از این کار نداشتند. این مساله موجب میشد که افراد طماع و فاسد، بدون گرفتن حقوق مشخص و رسمی به کارهای اداری و دولتی مشغول شوند. زیرا چنانکه در مورد نوکران گوشزد کردیم، این افراد حتی حاضر بودند، ماهیانه مبالغی را به روسای خود بدهند، تنها به این عنوان که آنان را در زمره کارمندان دولت محسوب دارند و حتی در مورد سربازان که در فصول بعد اشاره خواهیم کرد. این مصادیق بارز در ارتشاء وجود داشت.

بعد از آنکه «امیر کبیر» روی کار آمد. کوشید به هر قیمت که شده رشوه و ارتشاء را از میان بردارد. او تصور میکرد اگر به مستخدمین دولت حقوق ماهیانه و منظم و مستمری پرداخت شود. این فساد عظیم اداری از میان خواهد رفت. اما هنگامیکه «امیر کبیر» دست بکار شد. بعد از مدت کوتاهی کارشکنی‌ها و اعتراضات ماموران دولت شروع شد. آنان شکایت میکردند با نگرفتن رشوه، تامین معاش آنان مشکل شده و این وضع قابل تحمل نیست، آنان حاضر بودند، دولت حقوق ماهیانه آنان را قطع، اما دست آنان را در گرفتن هدیه بازگذارد. پیشنهاد دیگر آنان این بود که اگر دولت سالیانه دویست تومان به آنها میدهد آن را نصف کرده، و صد تومان بپردازد، مشروط بر آنکه برای بقیه این

مبلغ، کارمندان حق دریافت «حق حساب» را داشته باشد. یکی از نویسندگان اروپائی مینویسد:

«یکی از عیوب و بلکه از بلاهایی که در ایران ریشه دوانده است. و قطع ریشه آن هم کاری بسیار مشکل و بلکه محال است رشوه‌گیری است. این امر به قدری رایج است که از شاه گرفته تا آخر مامور دولت هم رشوه میگیرند. در عین حال هم هیچکس صدایش در نمی‌آید، گوئی تمام ماموران و مستخدمین ایرانی از بالا تا پائین هم پیمان شده‌اند، که موضوع را مسکوت بگذارند. قبل از آنکه به ایران بیایم در لندن کتاب حاجی بابای اصفهانی به دستم افتاد. در حین خواندن این کتاب بنظرم رسید که زمان سلطنت «فتحعلی شاه» وزیرمختار انگلیس مقداری سیب زمینی برای دولت ایران هدیه آورده و گفته بود اگر این گیاه را در ایران بکارید هرگز دچار قحطی نخواهید شد. زیرا کشت و زرع آن آسان است. و محصول فراوان میدهد و بخوبی میتواند جانشین نان گردد. ولی صدراعظم «فتحعلی شاه» قبل از دریافت سیب زمینی گفته بود، چقدر به من رشوه میدهید، تا کشت این گیاه را در ایران رایج کنم.»^{۱۴}

واسطه‌گری

«... یک حاکمی که معزول میشود و به مرکز می‌آید، کمتر اتفاق می‌افتد. که شاه و صدراعظم تمام هستی او را از دستش بگیرند و با اینکه میدانند وی ثروت خود را از راه نا مشروع بدست آورده، با این وصف به دریافت مختصری از دارایی او قناعت می‌نمایند. و بقیه را برای خودش میگذارند که بتواند باز پست دیگری را ابتیاع کند. زیرا در ایران پست‌های حکومتی با تقدیم رشوه و به عبارت دیگر به وسیله خریدن به دست می‌آید. همانطور که حاکم هرگز تمام درآمدهای نوکر خود را از دست آنها نمی‌گیرد. چیزی که در ایران روابط مردم را از این لحاظ تسهیل میکند، همانا «واسطه» است. واسطه عبارت از کسی است که بین یک نفر رشوه دهنده و یک نفر رشوه گیرنده میانجی میشود و نظریات آن دو را با هم وفق میدهد. یک ایرانی اگر با حاکم یا معاون او کار داشته باشد، باید متوسل به واسطه شود. در صورتیکه بخواهد یکی از اقارب و خویشان را در سازمان دولتی و حکومتی مستخدم نماید. باز بایستی به واسطه متوسل شود. واسطه‌ها به مناسبت شغل و مقام شخصی که نیازمند گذراندن کاری است از طبقات مختلف انتخاب میشوند. گاه یکی از آخوندهای بزرگ یا کوچک واسطه میشود و

فصل دوم - روابط و مناسبات حکام و وزراء (قوه مجریه) ۵۹

زمانی یکی از بازرگانان یا اصناف و حتی زوجه فرد
مظلوم، رفته واسطه میشود.» ۱۵

باج سبیل

«لرد کرزن» در بحث انواع مالیاتها در ایران به انواع باج سبیل اشاره دارد، او مینویسد:

«در لرستان انواع دیگر تدارک در آمد وجود دارد که هم از لحاظ زیرکی ذاتی ایرانیان و هم نمایاندن منابع سرشار مالی ایران شایسته یادآوری است. از هر ناحیه و بلوک سالانه مبلغی بین ۲۵ - ۵۰ قران بابت یک نسخه از سفرنامه نخستین مسافرت همایونی به اروپا دریافت میشود. این مالیات از زمان وقوع آن سفر در سال ۱۸۷۳ برقرار شده است. تا هم اهالی را به عظمت اقتدار شاهانه آشنا و هم ذات شهریاری را بر تمکین مالی که اتباع او دارند واقف سازد. این باج از آن پس برقرار مانده و ظاهراً میل و اشتها هنوز باقی است. همچنین وقتی اعلیحضرت چند سال پیش از حدود بروجرد عبور میفرمود. یکی از اسبهای محبوب شاهی تلف شد. ناحیه‌ای را که لابد در پیشامد این واقعه ناگوار دخالت داشت مبلغی جریمه کردند، تا به جای آن اسب دیگری تهیه شود. این جریمه را از آن پس حاکم محل کماکان دریافت میدارد. شیوه مهارت آمیز دیگر این است که بعضی از چراگاه‌های دامنه تپه‌ها را فقط برای اسب و قاطر دولتی محدود اعلام میکنند. سپس همان جا را در

ازای مبلغی به خود مالک آن اجاره میدهند. به همین نحو شکار کردن در بعضی نقاط ممنوع میشود و برای آنکه حیوانات ناراحت نشوند، چرا دادن احشام را در آنجا ممنوع می کنند. و سپس به عنوان حق معافیت، مالیات گله چرانی به آن تحمیل می کنند.»^{۱۶}